



اخلاق تشکیلاتی

اتحادیه انجمن های اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه های سراسر کشور

معشرت

انسان موجودی است اجتماعی و ناگزیر از معاشرت؛ و معاشرت اسلامی، اصولی دارد که در زیر می آید:

۱- اصول و کلیات معاشرت اسلامی :

از نظر اسلام، معاشرت دارای اصول و ضوابطی است و فرد مسلمان باید در معاشرتهای خود، کلیاتی را مراعات نماید؛ ما در ذیل به بیان چند اصل از اصول معاشرت خواهیم پرداخت.

- حب و بغض ها برای رضای خدا باشد :

عالی ترین مرتبه ایمان، چنانچه امام صادق (ع) می فرماید، در این جمله نهفته است : هر کس برای خدا دوست بدارد و برای خدا دشمن بدارد و برای خدا عطا نماید از کسانی است که ایمانش کامل گشته است ^(۱). و امام باقر (ع) می فرماید : دوست داشتن مؤمنی، مؤمن دیگر را، برای خدا، از بالاترین درجات ایمان است ^(۲).

اگر چه در قسمت بعد اشاره خواهد شد که یکی دیگر از اصول معاشرت اسلامی انتخاب صحیح معاشر است، ولی این ملاک که حب و بغضها برای رضای خدا باشد عالی ترین ملاک انتخاب معاشر و همدم است، اگر چنین باشد و این شرط مراعات گردد آنوقت انسان آنچه را دوست می دارد که محبوب خدا است یعنی، مؤمن را، عادل را، متقی را، و ایمان و پاکیزگی را و... از چیزی بیزار است که مورد دشمنی خدا است؛ یعنی عاصی و گنهکار را، ظالم و ظلم را، متکبر و تکبر را... و این یعنی سلامت معاشرت

امام باقر (ع) تمام دین را همین معنا و اصل معرفی می نمایند: ای اباذر، آیا دین بجز حب و بغض چیز دیگر هم هست ^(۳).

- دقت در انتخاب دوست و معاشر :

معاشرت، بازار تبادل اخلاق است، بسیاری از محاسن و رذائل اخلاقی از همین معاشرات معمولی انتقال و تسری می یابد. اگر از انسانهای موفق بپرسید که عامل موفقیت شما چه بود؟ بی درنگ یکی از عوامل مهم موفقیت خود را رفاقت با دوستان خوب اعلام می دارند، و بر عکس اگر از انسانهای شکست خورده در زندگی بپرسید: چگونه به این ناکامی ها مبتلا گشتید؟ خواهند گفت: دوست ناباب.

معاشرت با دوستان بد، انسان را از مسیر تکامل باز می دارد. به همین دلیل مسلمان، باید دوستان خود را با صلاحدید دین خود انتخاب نماید، یعنی در خصوص اینکه با چه کسانی معاشرت نماید و با چه کسانی معاشرت ننماید، باید نظر اسلام را سؤال نماید.

به همین دلیل ما در بند ۴ از همین بخش به ذکر ویژگی دوستان خوب و بد خواهیم پرداخت.

- اعتدال و میانه‌روی در معاشرت :

میانه روی بهترین و پسندیده‌ترین شیوه‌ای است که در شئون زندگی مراعات آن مفید و شایسته است. آن کلام معروف بیان خوبی است که خیر الامور اوسطها، بهترین کارها اعتدال در اعمال است^(۴). و شاید صراط مستقیم که در نماز مطلوب ما است همین اعتدال و میانه‌روی در اعمال و خلیات باشد.

یکی از اصول معاشرت نیز میانه‌روی است، که مؤمن به آن مکلف شده است.

به فرمایش امام علی (ع) : شیوه زندگی مؤمن بر اساس میانه روی و اعتدال است^(۵).

در معاشرت نیز افراط و تفریط هر دو مذموم و ناپسند است، هم معاشرت زیاد و هم قطع ارتباط با مردم، هر دو ناپسند است. علاوه اینکه در ابراز دوستی و دشمنی نیز باید میانه‌رو بود، امام علی (ع) می‌فرماید : دوستی نباید در حدی باشد که مایه مشقت گردد^(۶).

امام صادق (ع) می‌فرماید: به هنگام دوستی همه اسرار را مگو (زیاده روی مکن) چون ممکن است دوستی شما از بین برود و تبدیل به دشمنی شود^(۷). امام علی (ع) می‌فرماید: دوست خود را دوست دار باندازه ای که در آن تجاوز نباشد^(۸).

- امتحان همنشین :

اعتماد به ظاهر افراد، کار مذمومی است. البته سوء ظن به افراد، هم ناپسند است. لذا انسان می‌بایست کسی را که می‌خواهد با او پیمان دوستی و رفاقت داشته باشد، آزمایش نماید. امام علی (ع) اعتماد قبل از آزمایش را چنین توصیف می‌کند:

اعتماد به هر کس قبل از آزمایش، از ناتوانی است. و نیز می‌فرماید: قبل از امتحان به کسی اطمینان نکن^(۹). و امام صادق (ع) در بیان شیوه امتحان مردم می‌فرماید: به روزه و نماز مردم گول نخورید زیرا چه بسا انسان به نماز و روزه شیفته شود تا آنجا که اگر ترک کند به هراس افتد، ولی آنها را به راستگویی و امانتداری بیازمائید^(۱۰).

- معاشرت به تناسب افراد :

زندگی در جامعه‌های بشری، اخلاقی انعطاف پذیر را می‌طلبد. در جامعه افراد مختلفی با روحیات مختلف زندگی می‌کنند؛ جماعتی زود رنجند، جماعت دیگر سعه صدر دارند، عده‌ای بذله گو هستند و گروهی جدی و خشن؛ بعضی، از نرم خوئی انسان سوء استفاده نمی‌کنند و گروهی...

بدیهی است با این همه روحيات مختلف انسان نمی تواند با همه افراد با یک روحیه رفتار نماید. بلکه با هر کس باید طبق شناختی که از روحیه او دارد، معاشرت نماید. امام علی (ع) می فرماید: کسیکه متناسب با خلق و خوی مردم با آنها معاشرت و رفتار کند از شر آنها در امان ماند^(۱۱).

- رعایت حق معاشر:

این اصل از اصول مهم معاشرت است که رعایت آن، مایه استحکام پیوندهای اجتماعی می گردد. باید توجه داشت که اسلام دین وظایف متقابل است و اقشار جامعه نسبت به هم حقوقی دارند که ملزم به انجام آن می باشند حقوق پدر بر فرزند و فرزند بر پدر، حق همسایه، حقوق همکار و دوست و همه اینها بطور متقابلند. یکی از اساسی ترین اصول اسلام همین مقررات و رعایت آنها است.

حق الناس از اهمیت فراوانی در اسلام برخوردار است و حتی از حق الله بالاتر است. چنانچه امام علی (ع) می فرماید: خداوند حقوق بندگان را بر حقوق خودش مقدم داشته است^(۱۲). بعنوان نمونه در حق همسایه پیامبر اکرم (ص) می فرماید: ... کسی که همسایه خود را مورد اذیت و آزار قرار دهد بوی بهشت بر او حرام است و جایگاه او جهنم است؛ و بد جایگاهی است. و نیز فرمود: کسی که حق همسایه را ضایع کند از ما نیست و دائماً جبرئیل در حق همسایه وصیت می کرد تا اینکه من گمان کردم که او ارث می برد^(۱۳).

و درباره حق همسر اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) سؤال می کند: حق زن چیست که اگر مرد آنرا انجام داد، نیکو می شود؟ امام (ع) فرمود: همسرش را سیر کرده به او لباس بپوشاند و اگر اشتباه و خطائی انجام داد او را ببخشد^(۱۴). و حق پسر بر پدر، این است که اسم نیکویی بر او بگذارد، او را قرآن بیاموزد و در وقت بلوغ برای او همسری برگزیند و...^(۱۵).

امام سجاد (ع) درباره حق معاشر می فرماید: اما حق معاشر بر تو این است که او را نفریبی و با او دغل نکنی و به او دروغ نگوئی و غافلش نساخته، و گولش نزنی. و برای او کارشکنی نکنی و... اگر به تو اعتماد کرد هر چه توانی برای او بکوش. حضرت (ع) بعد از بیان پنجاه حق فردی و اجتماعی می فرماید: این حقوق در گردن تو است، که در هیچ حال نمی توانی از آنها جدا باشی و رعایت آنها بر تو لازم است. و از خدا در این راه کمک بخواه^(۱۶). از نظر اسلام، معاشرت وقتی سالم است که همنشینان، به اقامه حقوق هم و ادای آنها قیام نمایند.

ما در قسمتهای بعدی، درباره حقوق دوست صحبت خواهیم کرد.

- احترام و دوستی بر اساس مقدار ارزشها

یکی دیگر از اصول معاشرت در اسلام دوستی، رفاقت و احترام بر اساس مقدار ارزشها است. از نظر اسلام هر چه فرد به ارزشهای اسلامی پایبندتر باشد احترام او واجبتر و مهمتر است. و فرد مسلمان ملزم شده است تا در معاشرت خود به کسانی که با آنها مراوده دارد، بر اساس میزان تقیدشان به ارزشها، احترام بگذارد.

امام علی (ع) می‌فرماید: ظلم کردن به نیکی این است که آنرا در حق غیر اهلش بکار ببرند^(۱۷). از نظر اسلام احترام به پدر، مادر، استاد و معلم، بدلیل جایگاه ویژه آنها و ارزشی که دارند دارای اهمیت فراوانی است و انسان مأمور به احترام آنها و خضوع در مقابل آنهاست.

امام عسکری (ع) می‌فرماید: یک روز پدر و پسر به حضور امام علی (ع) رسیدند حضرت احترام شایانی از آنها کرد و برای آنها غذا آورد. پس از صرف غذا، قنبر غلام حضرت، طشت و آب و حوله آورد تا مهمانان دست خویش بشویند. علی (ع) ابریق را گرفت و آب را به دست پدر ریخت. البته آن مرد هر چه مخالفت کرد حضرت نگذاشت. بعد حضرت ظرف را به دست پسرش محمد حنفیه داد و فرمود اگر این پدر و پسر کنار هم نبودند و پسر تنها اینجا بود به دستهایش آب می‌ریختم تا بشوید ولی چون در کنار پدرش می‌باشد خداوند دوست ندارد که بین آنها تفاوتی نگذارم^(۱۸).

- محبت و احترام متقابل

اساس معاشرت بین مسلمانان احترام و محبت متقابل است. یعنی هر دو موظف هستند به هم احترام گذاشته و با محبت با هم رفتار نمایند.

قرآن مجید در سوره فتح، مؤمنین را چنین وصف می‌کند:

اشداء علی الکفار رحماء بینهم^(۱۹). نسبت به کفار شدیدند ولی بین خودشان با رأفت و رحمت رفتار می‌کنند.

و در سوره بلد می‌فرماید:

و تواصوا بالمرحمة^(۲۰). یکدیگر را توصیه می‌کنند به رأفت و رحمت و ملاطفت. از نظر اسلام، اگر فردی متوقع باشد تا دیگران احترامش کنند ولی او نسبت به مردم چنین نباشد، توقع بی‌جا و اشتباهی است.

اینکه در سوره حجرات می‌فرماید:

انما المؤمنون اخوه^(۲۱) یعنی مؤمنین برادرند، از بین همه نسبت‌ها نسبت «اخوة» را ذکر فرموده است که حاکی از تساوی است. همانگونه که دو برادر نسبت به حقوق، با هم برادرند، مؤمنین هم با هم برابرند، و هر کس توقع محبت و احترام دارد، خود نیز باید احترام کند و محبت نماید.

۲- آداب معاشرت اسلامی

آنچه تا کنون گذشت، اصول کلی معاشرت اسلامی بود و اکنون در صدد بیان آداب معاشرت اسلامی هستیم. معاشرت از نظر اسلام باید‌ها و نبایدهای فراوانی دارد که ما تحت عنوان آداب معاشرت آنها را ذکر می‌نمائیم.

- حسن خلق با معاشرین :

اسلام به حسن معاشرت و حسن خلق، اهمیت بسیاری داده است. بالاترین مدحی که در قرآن از پیامبر (ص) شده است. در رابطه با حسن خلق او است.

و انک لعلی خلق عظیم^(۲۲).

و همانا تو بر اخلاق نیکو و بزرگ آراسته‌ای.

و در آیه دیگر همین حسن خلق پیامبر (ص) را عامل موفقیت وی ذکر می‌نماید:

و لو کنت فظا غلیظ القلب لا انفضوا من حولک^(۲۳).

و اگر سنگدل و خشن بودی، مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

برخورد صحیح و اخلاق نیکو یکی از راه‌های پیشرفت در اجتماع می‌باشد. و مهمترین عنصری است که می‌تواند انسان را در میان جامعه، صاحب موقعیت نماید. پیغمبر اکرم (ص) در سفارش به پسران عبدالمطلب می‌فرماید: شما هرگز نمی‌توانید با اموالتان مردم را به دور خود جمع نمائید، بنابر این با چهره‌های باز و روی خوش با آنان برخورد نمائید^(۲۴). در اهمیت حسن خلق، روایات بسیاری آمده است. از جمله: امام باقر (ع) کاملترین مؤمن را از نظر ایمان، خوش خلق ترین آنها می‌داند: کاملترین مردم از نظر ایمان، خوش اخلاق‌ترین آنهاست^(۲۵).

و باز امام باقر (ع) می‌فرماید: تبسم الرجل فی وجهه اخیه حسنه «خنده مرد به صورت برادرش حسنه است»^(۲۶).

همچنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: سنگین‌ترین عملی که روز قیامت سنجیده می‌شود حسن خلق است^(۲۷). بد اخلاقی مایه آثار شومی نظیر بی‌مهری و اختلاف است، که دامنگیر جامعه می‌شوند و بسیاری نظیر تنهایی و طرد از اجتماع دامنگیر فرد بدخو می‌گردد.

از طرف دیگر عقوبات اخروی نظیر فشار قبر، حبس عمل، گرفتاری، دوزخ و... از پی آمدهای بد اخلاقی شمرده شده‌اند. چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بد رفتاری عمل انسان را فاسد می‌کند همانگونه که سرکه عسل را فاسد می‌کند^(۲۸).

در بحث حسن خلق ممکن است در محدوده مرز و یا به تعبیری معنا و حدود آن سؤال شود که بهترین کمک برای شناخت آن پاسخی است که امام صادق (ع) در این مورد فرموده‌اند: (سه چیز از حسن خلق است) نرمی و محبت، کلام نیکو، خوش برخوردی با برادر دینی^(۲۹).

- احسان:

احسان مفهوم گسترده‌ای دارد؛ که یکی نیکی کردن به غیر است. در گستره احسان، عناوینی چون انفاق، دستگیری، همکاری و تعاون، کمک به مؤمن و... رخ نمائی می‌کند. احسان با همه گستره‌اش از آداب معاشرت اسلامی است. بلکه از ضروریات جامعه اسلامی بشمار می‌رود. یکی از چهره‌های محبوب قرآن که مورد محبت خداوند است شخص احسان کننده است چنانچه می‌فرماید:

و الله يحب المحسنين

خداوند دوست می‌دارد نیکوکاران را^(۳۰).

و احسنوا ان الله يحب المحسنين

- نیکی کنید که خداوند نیکی کنندگان را دوست دارد^(۳۱).

خداوند به مؤمنین دستور می‌دهد تا به شکرانه احسان خدا با آنها، به یکدیگر احسان نمایند:

و احسن كما احسن الله اليك

نیکی کن چنانکه خدا با تو نیکی کرد^(۳۲).

مسلمان در مقابل احسان دیگران مکلف به تلافی است چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس به شما احسان نمود آنرا تلافی کنید و اگر نتوانستید آنقدر برای او دعا کنید که فکر کنید تلافی به عمل آمده است^(۳۳). احسان وقتی ارزشی مضاعف پیدا می‌کند که مسلمان بتواند در مقابل بدی دیگران، دست بتلافی نزده و به آنها تا جائیکه ممکن است احسان نماید. این مقام مرتبه بالائی از ایمان است و خداوند در قرآن کریم، بندگان خاص خود را چنین توصیف می‌نماید:

و اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما،

و وقتی نادانها با آنها هم کلامند (و مورد اهانت آنها) با آنها به خوبی سخن می‌گویند^(۳۴).

در سیره رسول خدا (ص) می خوانیم:

پیامبر اسلام (ص) در مقابل بدی دیگران، بدی نمی کرد؛ بلکه گناه آنها را نادیده می گرفت و از آنها می گذشت^(۳۵). به نظر می رسد پاسخ دادن بدی های دیگران به نیکی، بهترین راه مقابله است. چنانچه امام علی (ع) می فرماید: برادرت را در برابر کار خلافی که انجام داده بوسیله نیکی سرزنش کن و شر او را از طریق انعام و احسان و بخشش دور ساز^(۳۶).

- افشای سلام :

اصطلاح «سلام علیکم» اصطلاحی است که مخصوص مسلمانان است و هر مسلمان با هر ملیتی با همین لفظ به دیگران اعلام خضوع و دوستی می نماید. سلام، بسیار مورد تأکید اسلام بوده و مسلمانان را به پیشی جستن در آن ترغیب می نماید و همچنین توصیه می کند تا اگر پاسخ دهنده هستند بهتر و زیباتر جواب گویند. چنانچه در قرآن کریم می خوانیم:

و اذا حیّتم بتحیة فحیوا باحسن منها او ردوها

یعنی: اگر به شما سلام و تحیتی گفته شد، شما هم تحیت و سلام گوئید با لفظی بهتر یا حداقل مانند همان^(۳۷).

امام علی (ع) سلام را حق مؤمن می داند و می فرماید:

حق مسلمان بر مسلمان ۶ حق است. اول: هر گاه به او رسید سلام کند^(۳۸). و امام صادق (ع) می فرماید: بخیل ترین مردم کسی است که از سلام بخل ورزد^(۳۹).

در سیره ائمه معصومین، و پیامبر اکرم می بینیم که به همه حتی به بچه های کوچک سلام می دادند.

رسول اکرم در سلام کردن همیشه پیش قدم بودند و بدینوسیله اهمیت آرا به مسلمان گوشزد می نمودند.

افشای سلام در معاشرت اسلامی مایه دوستی، پاک شدن سینه ها از کینه، رفع کدورتها و تواضع، ... می باشد.

- رازداری و امانتداری :

یکی از اصول و آداب مهم معاشرت اسلامی، امانتداری و رازداری است. مسلمان در معاشرت خود با دیگران باید به مفهوم عام، امانتدار باشد، یعنی آنچه از مردم به او سپرده شده برگرداند و اسراری که از مردم می داند، و بعنوان امانت نزد او باز گو شده است، حفظ نموده و افشا ننماید.

امام علی (ع) می‌فرماید: حضرت رسول اکرم ساعتی پیش از وفاتش سه بار بمن فرمود: ای ابالحسن امانت را ادا کن چه مال انسان نیک باشد چه انسان فاجر چه کم باشد و چه زیاد حتی اگر آن امانت سوزن یا نخ باشد^(۴۰). در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) امانتداری معیار نیکی معرفی شده است: هرگز بسیاری نماز و روزه و کثرت حج و نیکوکاری و زمزمه شبانه اشخاص را منگرید، بلکه راستی گفتار و امانتداری آنها را معیار نیکی و بدی قرار دهید^(۴۱).

عبد الله بن سنان گوید: بخدمت امام صادق (ع) رفتم در حالی که حضرت در مسجد نماز عصر خود را خوانده و رو به قبله نشسته بود. عرض کردم:

یا بن رسول الله بعضی از مسئولین حکومتی اموالی را به رسم امانت می‌سپارند و از کسانی هستند که خمس شما را نمی‌پردازند. آیا این اموال را به آنها برگردانیم؟

حضرت سه بار فرمودند: بخدای قبله قسم، اگر ابن ملجم، قاتل پدرم امیر المؤمنین (ع)، امانتی بمن بسپارد به وی باز می‌گردانم^(۴۲) بی‌شک امانتداری، دایره‌ای وسیع دارد که رازداری را نیز در بر می‌گیرد. فاش کردن سر دیگران از موارد آشکار خیانت در امانت است و در بسیاری از موارد مایه اشاعه فساد در جامعه می‌گردد. و شاید علت عمده حرمت غیبت و تهمت، همین امر باشد.

در قرآن، عاقبت شومی برای این افراد بیان شده است. آنهائی که دوست دارند فساد در میان مؤمنان شایع گردد، برای آنها در دنیا و در آخرت عذابی دردناک است^(۴۳).

- حفظ شخصیت :

یکی از آداب معاشرت این است که انسان در معاشرتهای خود موجبات خفت و سبکی شخصیت خود را فراهم نکند. شوخی‌های بی‌مورد، معاشرتهای غیر متناسب، درخواستهای مکرر و بار خود را به دوش دیگران انداختن مایه سبکی انسان می‌گردد.

انسانی که ناراحتی‌ها، نگرانی‌ها و امراض، ... خود را به دیگران می‌گوید در حقیقت با تیشه‌ای تیز بر پیکر شخصیت خود می‌کوبد. امام صادق (ع) مفضل را چنین توصیه می‌کند:

ای مفضل، از بازگو کردن شرح حال خود برای مردم دوری کن، که اگر چنین کنی نزد مردم ذلیل و خوار می‌شوی^(۴۴).

- اصلاح بین یکدیگر :

در معاشرتهای اجتماعی، اختلاف و کدورت بین افراد، امری اجتناب ناپذیر است. ولی باقی ماندن کدورت کاری ناپسند است، علاوه بر اینکه همان افرادی که با هم کدورت و کینه دارند، موظف هستند که رفاقت و دوستی دوباره را جایگزین کینه نمایند، دیگران نیز مکلف اند که به کدورت بین دو برادر مسلمان خود خاتمه بدهند. در اهمیت این امر امام علی (ع) می‌فرماید: من همه شیعیان و شما دو فرزندم را به ترس از خدا، نظم در امور و اصلاح بین خود سفارش می‌نمایم زیرا که از جد شما رسول الله (ص) شنیدم که می‌فرمود: اصلاح بین مردم از همه نمازها و روزه‌ها بهتر است^(۴۵).

مفضل می‌گوید، که امام صادق (ع) به من فرمود: اگر دیدی بین دو شیعه ما نزاعی برخاسته، با استفاده از مال من آن را فیصله بده^(۴۶).

- وفای به عهد و پیمان:

وفای به عهد از شاخه‌های صداقت است، و مایه اعتماد مردم یک اجتماع به یکدیگر محسوب می‌گردد. در اسلام وفای به عهد، اهمیت فراوانی دارد. و یکی از مواردی که در قیامت پیرامون آن از انسان سؤال می‌شود عهد و پیمان است. چه اینکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولا

به عهد خود وفا کنید که همانا از آن سؤال خواهد شد^(۴۷).

خداوند وقتی از ویژگیهای مؤمنان سخن می‌گوید چنین می‌فرماید:

و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا

- مؤمنین وقتی پیمان می‌بندند، به عهد خود وفادار هستند^(۴۸).

و در جای دیگر می‌فرماید:

و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون

- مؤمنان کسانی هستند که به امانات و عهد خود وفا می‌کنند^(۴۹).

امام صادق (ع) می‌فرماید: ترک سه چیز در اسلام، بر احدی جائز نیست؛ ...دوم: وفای به عهد؛ چه به انسان خوب باشد چه بد^(۵۰).

در سیره رسول خدا (ص) می خوانیم: رسول خدا (ص) همراه مردی بود، آن مرد خواست به جائی برود، رسول خدا کنار سنگی توقف کرد و به او فرمود: من در همینجا هستم تا بیائی. آن مرد رفت و مدتی نیامد، نور خورشید بالا آمد و بطور مستقیم بر پیامبر (ص) می تابید، اصحاب عرض کردند: ای رسول خدا (ص) به سایه بروید. آن حضرت در پاسخ فرمودند: من با او عهد کرده ام که همین جا بمانم (نه جای دیگر) ^(۵۱).

و همچنین عمار بن یاسر گوید: من گوسفندانی چند از خانواده ام می چرانیدم، حضرت محمد (ص) نیز گوسفند می چرانید. روزی به آن حضرت گفتم: چراگاهی در فلان کوه سراغ دارم که علف فراوانی دارد موافقی فردا گوسفندانمان را به آنجا ببریم؟ فرمود آری، روز بعد وی زودتر از من به آنجا رفت چون من رفتم دیدم گوسفندان خود را به نزدیکی آنجا برده است ولی نمی گذارد گوسفندان وارد علفزار شوند.

گفتم چرا به علفزار در نیایی؟ فرمود: بدین کسب که من و تو قرار بسته بودیم به اتفاق به آنجا رویم، رواندانستم بی تو به آنجا بروم. ^(۵۲)

- رفق و مدارا:

رفق و مدارا، بمعنی حلم، نرمی و ملایمت با مردم و تحمل و شکیبائی در برابر تند خویی دیگران، ... از مهمترین آداب معاشرت اسلامی است. انسان در جامعه ای زندگی می کند که در آن افراد مختلفی وجود دارد. اگر انسان در برابر درشتی دیگران و کج خلقیهای ایشان مدارا ننماید، باید یا دست از معاشرت بکشد و گوشه انزوا اختیار کند و یا اینکه با بیماریهای عصبی و روانی دست و پنجه نرم کند.

نرمی، مایه هدایت و ارشاد جاهل است. و تأثیر آن از پاسخ متقابل بسیار بهتر است.

خداوند وقتی موسی و هارون را مأمور می کند تا به کاخ فرعون بروند؛ به آنها می گوید:

اذهبا الی فرعون انه طغی، فقولاله قولاً لیناً لعله یتذکر او یخشی

به سراغ فرعون بروید و با نرمی با او سخن بگوئید شاید بترسد و یا هدایت شود ^(۵۳).

نکته مهم اینکه می فرماید تنبه و هدایت در صورت نرمی محتمل است. لذا با او به نرمی تکلم کنید.

در موفقیت پیغمبر ما عوامل مختلفی نقش داشتند، ولی مهمترین عامل موفقیت پیامبر اکرم (ص) نرمخویی و مدارا کردن ایشان بود. چنانچه در قرآن می خوانیم «پس با رحمت پروردگار برای آنان نرم گشته ای و اگر سخت دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند» ^(۵۴) چه بسیار انسانهایی که بواسطه همین صفت به آغوش اسلام و ائمه (ع) گرویده اند. در سیره امام سجاد (ع) می خوانیم: یکی از اقوام و خویشان امام به درب منزل آن حضرت آمده و با داد و فریاد و بنحوی که حاضرین

نیز شنیدند، شروع به ناسزا نمود. امام (ع) مقابل آن مرد که در آتش سوزنده خشم قرار داشت، هیچ نگفت. وقتی آن مرد رفت، امام (ع) با یاران خود به درب منزل آن مرد رفته، و او را صدا زدند. مرد که گمان می کرد حضرت برای انتقام آمده در حالیکه خود را برای جنگ و دعوی آماده کرده بود از منزل خارج شد در این هنگام امام (ع) خطاب به مرد گفت: آنچه بمن نسبت دادی اگر در من هست از خدا می خواهم مرا ببخشاید، و اگر در من نیست از خدا می خواهم ترا ببخشاید. مرد که از برخورد امام جا خورده بود، پیشانی امام را بوسید و با عذرخواهی به امام عرض کرد: آنچه من به شما نسبت دادم در شما نیست و من خودم به آن سخنان سزاوارم.^(۵۵)

در سیره امام سجاد (ع) می خوانیم که زهری می گوید: با امام سجاد (ع) معاشرت داشتم بخدا قسم کسی را در آن زمان ندیدم مگر اینکه در خفا با آن حضرت دشمن بوده ولی در حضور امام به او اظهار دوستی و مودت می کرد. زیرا اشخاص به فضایل آن حضرت آگاه بودند از این رو به آن حضرت حسد می ورزیدند ولی بدلیل مدارا و مردم داری آن حضرت و خوش برخوردی او با همگان آنچنان بود که همه او را دوست می داشتند.^(۵۶)

درباره رفق و مدارا در روایات می خوانیم:

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «ما جماعت پیامبران به مدارا کردن با مردم امر شده ایم همانگونه که به انجام فرائض مأمور شده ایم».^(۵۷)

و در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «عاقل ترین مردم کسی است که با مردم بیشتر مدارا می کند».^(۵۸) در یک تصویر سازی از رفق پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «اگر رفق و مدارا خلقی از مخلوقات پروردگار بود که دیده می شد، زیباترین مخلوقی بود که خداوند او را آفریده است».^(۵۹)

امام علی (ع) در این زمینه می فرماید: «رفق کلید رستگاری است».^(۶۰)

امام باقر (ع) می فرماید: خوش رفتاری و مدارا با مردم یک سوم خرد است.^(۶۱)

- ایثار و از خود گذشتگی:

ایثار و از خود گذشتگی یکی از آداب معاشرت اسلامی است. به این معنا که انسان تا جایی که می تواند در رفع نیازهای دیگران بکوشد. امام علی (ع) می فرماید: با مردم، به انصاف رفتار کن ولی با مؤمنان، با ایثار معاشرت نما.^(۶۲)

در قرآن این صفت مقدس، از اوصاف مؤمنین شمرده شده است:

و مردم را در آنچه دارند بر خود مقدم می شمارند، اگر چه خود به آنها نیاز دارند.^(۶۳)

در سیره امام علی (ع) می‌خوانیم:

علی (ع) باغ خود را به ۱۲ هزار درهم می‌فروشد و همه پولها را بین فقرا و تهیدستان مدینه تقسیم کرده به منزل باز می‌گردد.

طبیعی است که انتظار فرزندان و همسر پس از فروش باغ، آوردن غذا و میوه به منزل است، چنانکه فاطمه (س) می‌پرسد: پول باغ را چه کردی؟

امام پاسخ می‌دهد: در راه خدا انفاق کردم^(۶۴).

و باز در این باره می‌خوانیم که:

روزی فاطمه زهرا (س) به علی (ع) گفت به نزد پدر رو و از او چیزی بستان تا غذای امروزمان را فراهم کنی. علی (ع) به نزد پیامبر (ص) رفته و دیناری از آن حضرت گرفت و بازار رفت تا بوسیله آن غذایی بخرد. در بین راه مقداد بن اسود را دید از حالش پرسید، معلوم شد که وی سخت در مضیقه است دینار را به وی داد و خود به مسجد رفت. چون شرمنده بود با دست تهی به خانه بازگردد. مدتی گذشت و پیامبر در جستجوی علی به مسجد آمد و به او فرمود: کجا بودی؟ چرا برای خانه چیزی تهیه نکردی؟ امام (ع) عرض کرد: آخر مقداد را دیدم که سخت نیازمند است پس دینار را به وی دادم. پیامبر فرمود از این ماجرا خبر دارم چون خداوند این آیه را در شأن تو فرستاده است: «دیگران را بر خویش مقدم دارند گرچه خود در تنگنا باشند. (حشر: ۹)»^(۶۵).

- تغافل و چشم پوشی :

همانگونه که گذشت، انسان موجودی است اجتماعی و می‌بایست در جامعه در کنار هم نوعان خود زندگی نماید.

در این معاشرت‌ها، ممکن است انسانها به عیوبی از یکدیگر بی‌برند. افشای این عیب و به رخ کشیدن آن، کار پسندیده‌ای نیست؛ لذا از نظر اسلام چشم پوشی و تغافل یکی از آداب معاشرت اسلامی است. امام باقر (ع) می‌فرماید: صلاح شأن مردم با هم زندگی کردن است، و با هم زندگی کردن پیمانه پری است که دو سوم آن زیرکی و یک سوم آن چشم پوشی و خود را به فراموشی زدن است^(۶۶).

- صله رحم :

از دیگر آداب معاشرت صله رحم است، یعنی سرکشی به خویشان و اقوام. اینکه در جامعه ماشینی امروز، عواطف انسانی بخشکد، و رفت و آمدهای خانوادگی تحت الشعاع کارهای روزانه قرار گیرد؛ عملی سخت مورد انتقاد است. در جامعه اسلامی صله رحم و سرکشی به خویشان عملی است پسندیده که مورد تأکید اسلام واقع شده است.

وجود انسان را علاقه‌ها و پیوندها در بر گرفته‌اند، از یک طرف پیوند به خالق که اگر قطع شود مایه نابودی انسان است، و از طرفی پیوند با جامعه انسانی بطور عام و پدر و مادر و سایر بستگان بطور خاص. برقراری این پیوند، مصداق آیه :
 یصلون ما امر الله به ان یوصل^(۶۷) است؛ که می‌فرماید: وصل می‌کنند آنچه را که خداوند دستور داده تا وصل باشد و در مقابل قطع هر یک از پیوندها مصداقی است از آیه

«ویقطعون ما امر الله به ان یوصل»^(۶۸)

و قطع می‌کنند آنچه را که خدا دستور وصل داده.

که خداوند این بیان را در توصیف انسانهای فاسق آورده است.

امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: با خویشاوندان خود صله کنید و لو به سلام باشد^(۶۹).

- همکاری و تعاون :

روشن است که انسان بدلیل اینکه موجودی است اجتماعی نیاز دارد که بسیار از کارها را بشکل جمعی انجام دهد؛ رسیدگی به مسجد، وضعیت مدرسه و کیفیت فضای آموزشی، خیابان، آپارتمان و شهر... مسائلی است که همکاری همگان را طلب می‌کند. همکاری تا جایی که جنبه سازندگی و خیر دارد مورد تأکید اسلام است. چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

تعاونوا علی البر و التقوی

- یکدیگر را در خیر و تقوی یاری نمائید.

و لا تعاونوا علی الاثم و العدوان

- و در گناه و ستم همدیگر را کمک ننمائید^(۷۰).

کمک برای ازدواج یک جوان، کمک برای ادای قرض مؤمن، حضور فعال در انجمن اولیاء و مربیان، یاری رساندن به یک جوان بیکار و دادن سرمایه به وی... از مصادیق بارز تعاون بر نیکی است که از آداب یک معاشرت اسلامی بشمار می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: از واجب‌ترین حقوق خداوند متعال بر بندگانش نصیحت به اندازه توان و همکاری بر اقامه حق است^(۷۱).

- نصیحت و خیر خواهی مردم:

در جامعه اسلامی، مسلمان هرگز به ضرر، مصیبت و گرفتاری دیگران راضی نیست و برای مردم همان اندازه طالب خیر است که برای خودش خیر و خوبی مطالبه می‌کند. منفعت‌طلبی در ذات انسان وجود دارد. ولی این منفعت‌طلبی نباید باعث تضییع حقوق دیگران گردد و بقولی انسان بخواهد فقط به هدفش برسد و لو به ضرر دیگران. امام صادق (ع) می‌فرماید: برای مردم چیزی را دوست بدارید که برای خود دوست می‌دارید.^(۷۲)

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: آنچه دوست داری مردم با تو کنند، با مردم همان کن و آنچه را خوش نداری مردم درباره تو کنند، درباره آنها وامدار.^(۷۳) در حدیث آمده است که خدا به حضرت آدم (ع) وحی کرد، تمام سخن را در چهار کلمه برای تو جمع می‌کنیم: ... و آنچه میان تو و مردم است این است که آنچه برای خود می‌پسندی برای مردم پسندی و آنچه را برای خود نمی‌خواهی برای آنها نخواهی.^(۷۴)

- عفو و گذشت:

گذشت و عفو در وقتی که انسان می‌تواند انتقام بگیرد، عملی بسیار پسندیده و نشان مردانگی است.

چنانکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: بر شما باد گذشت و بخشش؛ زیرا گذشت جز عزت چیزی بر شما نیافزاید.^(۷۵)

و امام سجاد (ع) به فرزند خود می‌فرماید: اگر مردی از طرف راست به تو بد گفت پس از طرف چپ تو عذرخواهی کرد، پس عذر او را بپذیر.^(۷۶) اگر انسان توجه داشته باشد که هر آینه ممکن است خودش محتاج بخشش دیگران باشد، آن وقت به ارزش عفو و گذشت پی می‌برد.

انتقام اگر چه حق فرد مورد ستم است، ولی همیشه عملی پسندیده نیست و در مواردی می‌تواند باعث از هم گسیختگی جامعه گردد. از آن موارد می‌توان عفو و گذشت در مسائل خانوادگی را متذکر شد که در این موارد عفو و بخشش بسیار پسندیده‌تر است، از انتقامی که مایه تخریب محیط خانواده است.

- کظم غیظ:

غضب و خشم از ذاتیات یک انسان است و خداوند آنها را در وجود انسان قرار داده است. کما اینکه مودت و رحم و محبت را در وجود او قرار داده. از وصیت‌های امام علی (ع) به فرزندش امام حسن مجتبی (ع) این است که: خشم خود را فرو ببر بخاطر اینکه من جرعه‌ای شیرینتر از فرو بردن خشم ندیدم.^(۷۷)

غضب سرچشمه بسیاری از گناهان است، و خطرناکترین حالات روحی انسان در حال غضب از او بروز می‌نماید، قاتلی که در حالت غضب کسی را کشته است، اگر اسیر جنون نمی‌گشت و غیظ خود را فرو برده بود، مرتکب چنین خطائی نمی‌شد.

خداوند متعال در مقام تمجید و توصیف متقین می‌فرماید:

و الكاظمين الغيظ و العافين عن الناس، و الله يحب المحسنين.

متقین، کسانی هستند که خشم خود را فرو می‌برند و مردم را می‌بخشایند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد^(۷۸). و در توصیف مؤمنین می‌فرماید:

و اذا ما غضبوا هم يغفرون

و وقتی غضبناک می‌شوند، می‌بخشایند^(۷۹).

در سیره امام صادق (ع) می‌خوانیم: یکی از بستگان امام صادق (ع) به خاطر موضوعی در غیاب ایشان نزد مردم، از آن بزرگوار بدگوئی می‌کرد. امام صادق (ع) توسط شخصی از بدگوئی او باخبر شد.

امام همین که این خبر را شنید بی آنکه عکس‌العمل شدیدی نشان دهد، با کمال نرمش و آرامش برخاست. وضو گرفت و مشغول نماز شد. یکی از حاضران بنام حماد می‌گوید: من گمان کردم که آن حضرت می‌خواهد نفرینش کند ولی دیدم آن بزرگوار بعد از نمازش چنین دعا کرد:

خدایا من حقم را به او بخشودم تو از من بزرگوارتر و سخی‌تر هستی او را به من ببخشای و کیفرش مکن^(۸۰). و حضرت صادق (ع) می‌فرماید: آنکس که خشم خود را فرو برد در حالیکه می‌تواند آنرا اعمال کند خداوند قلب او را در قیامت، از رضایت خود پر می‌کند^(۸۱).

- مهمان‌نوازی :

از آداب ارزشمند معاشرت اسلامی، مهمان‌نوازی است. نقل است که ابراهیم خلیل الرحمان آنقدر به مهمان‌نوازی علاقمند بوده که اگر مهمانی بر او وارد نمی‌شد خود به جستجوی مهمان بر می‌آمد.^(۸۲) و نیز از امام علی (ع) نقل است که او را نگران یافتند چون سبب را پرسیدند فرمود هفت روز است که مهمانی بر ما وارد نشده است.^(۸۳)

در فرهنگ اسلامی، مهمان حبیب خدا است، احترام به او مورد تأکید اسلام است؛ و یک ارزش محسوب می‌گردد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: اسرائی را نزد پیامبر اکرم (ص) آوردند.

یکی از آنها را جلو آوردند که مجازات کنند. پس جبرئیل عرض کرد: یا محمد پروردگارت سلام رسانیده، می‌فرماید: به درستی که اسیر تو اطعام و مهمان‌نوازی می‌کند و بر سختیها صبر و تحمل دارد. سپس پیامبر اکرم (ص) به اسیر فرمود که جبرئیل من را از اوصاف تو خبر داد، من ترا آزاد کردم. سپس آن اسیر به حضرت عرض کرد، که آیا خدا، این اوصاف را دوست دارد. حضرت فرمودند: آری، سپس آن اسیر عرض کرد: قسم به کسی که ترا به حق مبعوث کرد هرگز کسی را از مالم رد نکنم و مسلمان شد^(۸۴).

- رفع حاجت مؤمنین و همدردی با مردم:

از آداب معاشرت اسلامی، رفع حاجت، و کمک به سایرین است. این خصلت مورد ستایش اسلام، و از خصوصیات مؤمنان است. در سیره رسول الله می‌خوانیم:

دختر حاتم اسیر اسلام بود، به پیامبر عرض کرد: اگر صلاح می‌دانی مرا آزاد کن و از سرزنش قبیله‌های عرب دور ساز. همانا پدرم بردگان را آزاد می‌ساخت، و در حوادث تلخ روزگار به مردم کمک می‌کرد. حضرت به دختر حاتم فرمود این از اوصاف مؤمنین است. سپس به مسئولین امر فرمود که: به پاس احترام به ارزشهای اخلاقی پدرش او را آزاد کنند^(۸۵).

فرد مسلمان در جامعه اسلامی مکلف است تا جائی که می‌تواند در صدد رفع حوائج مؤمنین باشد. و اگر نتوانست حاجت وی را بر طرف کند، تا حد امکان با او همدردی نماید و خود را شریک در غم و رنج وی نشان دهد. امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: هر کس در صدد رفع حاجت برادر مؤمنش باشد، خداوند در صدد رفع حاجت اوست تا مادامی که او در صدد رفع حاجت برادر خویش است^(۸۶).

آن حضرت می‌فرمایند: هر کس همراه برادر خویش برود، خواه کارش را انجام دهد خواه انجام ندهد، همچون کسی است که یک عمر خدای را پرستیده باشد. مردی پرسید: در پی حاجت برادر خود با وی برود و طواف را قطع کند، امام فرمود: آری^(۸۷). برتری رفع حاجت مؤمن، بر طواف کعبه را در سیره عملی آن حضرت (ع) از زبان ابان بن تغلب می‌توان فهمید.

ابان گوید: همراه امام صادق (ع) مشغول طواف کعبه بودم در گرما گرم طواف یکی از شیعیان با اشاره از من خواست تا همراه او برای برآوردن حاجت او بروم ولی من دوست نداشتم طوافم را قطع کنم، و امام را رها کنم... حضرت فهمید و به من فرمود: همراه او برو. گفتم آیا طوافم را بشکنم؟ فرمود: آری^(۸۸).

در سیره امام سجاد (ع) می‌خوانیم: زید بن اسامه یکی از مسلمانان عصر امام سجاد (ع) بود، امام شنید که او بیمار شده و بستری است، به عیادت او رفت؛ دید گریه می‌کند فرمود: چرا گریه می‌کنی؟

زید گفت: مبلغ پانزده هزار دینار قرض دارم و گریه‌ام برای این مبلغ کلان بدهکاری است که بر گردنم هست و چیزی از مال دنیا بجا نگذاشته‌ام تا به اندازه این مبلغ باشد.

امام سجاد (ع) به او فرمود: گریه نکن آن قرض تو بر من، و تواز آن بری هستی.

آنگاه امام همه قرضهای او را ادا کرد^(۸۹).

- عذر پذیری :

انسان در جامعه انسانی زندگی می‌کند چه بسا کسانی که به انسان بدی کنند و بعد پشیمان گشته و عذرخواهی نمایند، یکی از آداب معاشرت اسلامی، عذرپذیری است چنانکه وقتی از انسان معذرت خواسته شد، سخت نگیرد و بپذیرد. امام سجاد (ع) در نصیحت فرزند خود می‌فرماید: اگر مردی از سمت راست تو به تو بد کرد سپس از طرف چپ تو از تو عذر خواست، پس عذر او را بپذیر^(۹۰).

- تواضع و فروتنی:

تواضع از آداب پسندیده اجتماعی است و در اسلام تأکیدات فراوانی بر آن شده است. شخص متواضع، مورد احترام مردم است. ولی متکبر در تنهایی موحش خود، گرفتار است و در میان مردم جائی ندارد. اگر انسان توجه داشته باشد، او هم بنده‌ای است از بندگان خدا با همه خصائص و خصوصیات بندگی؛ یعنی ناتوان است، در معرض بیماری است و اجل در پی او است... آنگاه مشی آمیخته با تواضع اختیار می‌نماید:

امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید:

ذلیل و بیچاره فرزند آدم، اجلش پنهان است، بیماریهایش پوشیده، عملش نگهداری می‌شود پشه او را دردناک می‌سازد، آب در گلو بگیرد، او را می‌کشد، عرق او را بدبو می‌کند^(۹۱). آیا انسانی با این همه ضعف، سزاوار است گردنکشی نماید. در اهمیت و نقش تواضع در معاشرت می‌فرماید: هر کس درختش نرم باشد، (یعنی متواضع باشد) شاخه‌های او (دوستانش) فراوان است^(۹۲) خداوند بندگان خود را با تواضع توصیف می‌کند.

عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا^(۹۳).

بندگان خدا کسانی هستند که در روی زمین به آرامی راه می‌روند.

اگر چه تواضع صفت پسندیده‌ای است ولی در مقابل متکبرین که تواضع دیگران را در مقابل خود وظیفه آنها می‌دانند، پسندیده نیست. چنانچه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر گاه افراد متواضع از امت مرا دیدید، در برابر آنها تواضع کنید، هر گاه افراد متکبر را دیدید در برابر آنها تکبر نمائید^(۹۴).

- دفاع از حقوق مؤمنین :

دوستی انسان با دیگران ایجاب می‌کند، که از حقوق معاشرین خود دفاع نماید. و این از اولین آداب دوستی است. امام علی (ع) می‌فرماید: دوست در حقیقت دوست نیست مگر اینکه رعایت نماید دوست خود را در سه وقت؛ در رنج و گرفتاری او، در نبودن او، در وفات او^(۹۵). در سفری که امام کاظم (ع) به عراق نمود، علی بن یقطین از وضع خود به امام شکوه کرد و گفت: آیا وضع و حال مرا می‌بینی که در چه دستگاهی قرار گرفته، با چه مردمی سر و کار دارم. امام فرمود: خداوند، در میان ستمگران مردانی دارد محبوب، که بوسیله آنان از بندگان خوب خود حمایت می‌کند و تو از آن مردان محبوب خدائی^(۹۶).

یکی از جاهائی که می‌بایست از حق مؤمنان دفاع کرد، پشت سر آنهاست؛ یعنی وقتی که مؤمن غایب است، از حق او دفاع کرد، و شأن او را حفظ نمود: پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کسی که در حضورش مسلمانی را غیبت نمایند و او بتواند دفاع کند، و نکند؛ خداوند او را در دنیا و آخرت به ذلت کشاند^(۹۷).

- تذکر و امر به معروف :

امر به معروف و نهی از منکر از آداب مهم معاشرت اسلامی است. تذکر و نصیحت از عوامل مهم رسیدن به کمال است. و مایه پیرایش جامعه از زشتی‌ها و احیای سنن و آداب نیکو می‌باشد. از نظر اسلام، یکی از معیارهای انتخاب دوست، این است که دارای وصف تذکر باشد. یعنی دوست خوب، دوستی است که خوبیها را به انسان متذکر شود و عیوب انسان را به او گوشزد نماید.

امام صادق (ع) می‌فرماید: بهترین دوستم کسی است که عیوبم را به من هدیه آورد^(۹۸).

و اگر کسی چنین نکند در حقیقت به دوست خود خیانت کرده است.

امام صادق (ع) : کسی که برادرش را در حین کار زشتی ببیند ولی او را منع نکند، پس به او خیانت کرده است^(۹۹). و باز آنحضرت در مقام تهدید می‌فرماید: کسی که برادر مؤمنش را در انجام حاجت ناپسندی یاری کند و او را از آن کار باز ندارد، مانند کسی است که به خدا و رسولش خیانت کرده است و خداوند خصم و دشمن اوست^(۱۰۰).

حارث بن مغیره گوید: در کوچه‌های مدینه به امام صادق (ع) رسیدم. حضرت چون مرا دید فرمود ای حارث این را بدان که داناهایتان مسئول نادانهایتان خواهند بود. این بفرمود و دیگر توقفی ننمود و برفت. در اولین وقت مناسب به خانه‌اش شتافتم پس از کسب اجازه به خدمتش رفتم و عرض کردم: این فرموده شما مرا منقلب کرد. ممکن است در این باره بیشتر توضیح دهید.

فرمود: چه چیزی شما را مانع است که چون بشنوید یکی از خودتان (جماعت شیعه) مرتکب اعمالی شده که مایه اذیت و آزار و موجب ننگ ماست. به نزد وی رفته و او را متذکر نموده و نصیحتش کنید و با سخن نرم و حکیمانه او را از کارش باز دارید؟ عرض کردم آخر آنها از ما نمی‌شنوند. فرمود پس وظیفه دارید از آنها جدا شده و با آنان همنشینی نکنید؟^(۱۰۱) در اهمیت این ادب از آداب معاشرت می‌باید گفت که امر به معروف در شریعت اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا آنجا که امیر المؤمنین علی (ع) در مقایسه‌ای بین امر به معروف و اعمال نیک دیگر، آنرا مثل دریا و سایر اعمال را مثل آب دهان می‌شمرد.

همه اعمال حتی جهاد، در مقابل امر بمعروف مثل آب دهان است در مقابل دریا^(۱۰۲). امر به معروف، اگر جنبه عملی پیدا کند تأثیری بمراتب بیشتر از زبان دارد. امر به معروف با عمل، اثرش بیشتر است از تذکری که فقط با زبان باشد.

ابن ابی یعقوب گوید: امام صادق (ع) به من فرمود: شما (شیعیان) با رفتار و کردارتان مردم را به مذهبتان دعوت کنید، نه با زبانتان، تا کوشش در عبادت و پرهیز از گناه و صداقت و راستگویی را در رفتار شما مشاهده کنند، (و بدین روش می‌توانید مردم را به سوی دین بکشانید)^(۱۰۳).

اینکه انسان دیگران را به معروف امر کند و خود انجام دهنده آن نباشد، تأثیری نخواهد داشت و به باران بر سنگ تشبیه شده است.

خداوند در مقام اعتراض به چنین افرادی می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لا تفعلون.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید چرا به آنچه می‌گوئید عمل نمی‌کنید^(۱۰۴).

اگر چه نماز ستون دین و سیمای مکتب است ولی می‌بایست گفت که همه اعمال حتی نماز، قوامشان در جامعه بسته به اجرای این فرضیه الهی است. با انجام امر به معروف و نهی از منکر جامعه اسلامی شکل اسلامی به خود می‌گیرد. و احکام اسلامی در جامعه پیاده می‌شوند.

- حیا :

حیا مترادف عفت و بعضاً صفتی است نفسانی که شهوت را کنترل می‌نماید و یا اینکه حالتی است در انسان که او را از انجام کارهای غیر جائز، باز می‌دارد^(۱۰۵). حیا نیرویی است که تمام اعمال انسان را کنترل می‌نماید تا هر چه را نفسش اراده کرد انجام ندهد. پرهیز از تعبیرات زشت و زننده (حیاء در گفتار) پرهیز از پوشیدن لباسی و لو غیر منافی با اسلام (ظاهراً) دوری از شوخی‌های رکیک... از مصادیق حیاء در معاشرت اسلامی می‌باشند.

امام علی (ع) برترین اعمال را عفت می‌داند بالاترین عبادات عفت و پاکدامنی است^(۱۰۶).

امام کاظم (ع) می‌فرماید: خداوند بهشت را بر فاحش و زشتگو و کم‌شرمی که از آنچه می‌گویند یا در مورد او گفته می‌شود حیا نمی‌کند، حرام کرده است^(۱۰۷).

اگر چه بسیاری از مواقع حیا را، مرادف با خجالت، معرفی می‌کنند، ولی این تلقی از حیا مردود است، چون خجالت و خجل بودن از نظر اسلام پسندیده نیست. آنچه از روایات منابع اسلامی بدست می‌آید، حیا نیرویی است که انسان را از دست زدن به اعمال زشت باز می‌دارد، و مانع از آن می‌شود که هر چه به فکرش آمد بر زبانش جاری نماید. کما اینکه امام علی (ع) می‌فرماید: حیاء انسان را از کار زشت باز می‌دارد.^(۱۰۸)

اگر چه حیا برای همه پسندیده است ولی برای بانوان پسندیده است چنانچه امام صادق (ع) می‌فرماید: حیا ده جزء است ۹ جزء در زنان و یک جزء در مردان^(۱۰۹). در جایگاه حیا همین بس که از نظر اسلام هر کس پرده حیای خود را بدرود، آبرو و شخصیتی ندارد، و لذا اسلام غیبت چنین افرادی را جائز شمرده است؛ چه اینکه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس پرده حیا را درید غیبتش جائز است^(۱۱۰).

اگر چه هنوز عنوانهایی برای آداب معاشرت می‌توان یافت ولی به همین مقدار کفایت می‌نمائیم.

۳- آنچه در معاشرت باید ترک شود :

در ذیل به آفات معاشرت اسلامی خواهیم پرداخت. یعنی آنچه از نظر اسلام در معاشرت مردود شمرده شده و باید ترک شوند.

- سخن چینی

سخن چینی و نمایی، عملی بسیار زشت و ناپسند است که آثار بسیار سوئی بر اجتماع می‌گذارد، مثل تفرقه، کینه و کدورت و... از نظر اسلام سخن چینی در معاشرت، عملی مردود است و فرد مسلمان باید از این عمل پرهیز نماید.

پیامبر اکرم (ص) به اصحابش فرمود: می‌خواهید شما را خبر دهم از بدترین مردم؟ گفتند: آری یا رسول الله. حضرت فرمود: بدترین مردم کسی است که در میان مردم به سخن چینی راه می‌روند و در میان دوستان جدائی می‌اندازند و از برای بی‌عیان عیب می‌جویند^(۱۱۱).

و امام باقر (ع) فرمود: بهشت بر سخن چینان حرام است^(۱۱۲).

سعدی، در این بیت سخن چین را تشبیهی بسزا نموده است:

میان دو کس جنگ چون آتش است
سخن چین بدبخت، هیزم کش است

- تجسس و عیب‌جوئی :

یکی از صفات رذیله، جستجو کردن داخل زندگی دیگران است که مورد نهی اسلام واقع شده است.

قرآن کریم می‌فرماید:

و لا تجسسوا

؛ یعنی در امور مردم کنجکاوی نکنید^(۱۱۳).

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: لغزش‌های مؤمنین را جستجو نکنید پس به حقیقت کسی که در جستجوی لغزشهای برادرش باشد، خدا لغزشهای او را دنبال می‌کند. اگر چه در اندرون خانه‌اش باشد^(۱۱۴).

در سیره امام علی (ع) می‌خوانیم که امام حسین (ع) فرمود: روزی مردی به نزد پدرم آمد و درباره گروهی سعایت نمود؛ حضرت به من فرمود: بگو قبر بیاید؛ چون قبر آمد بوی فرمود: به این سعایت کننده بگو تو چیزهایی بما گفتی که خدا را خوش نیامد برو که در پناه خدا نباشی^(۱۱۵). تجسس در حقیقت یک بلای اجتماعی است که مایه هتک حرمت دیگران و ریختن آبروی آنها می‌شود. علاوه بر این مایه اشاعه فساد در جامعه خواهد گشت.

از نظر اسلام نه تنها تجسس در عیوب دیگران مذموم است، بلکه اگر انسان مؤمن، بر عیوب دیگران ناخودآگاه اطلاع پیدا کرد، موظف به کتمان است. چنانچه امام باقر (ع) می‌فرماید: بر مؤمن واجب است که ۷۰ مرتبه گناه برادر مؤمنش را بپوشاند یا ۷۰ گناه کبیره مؤمن را بپوشاند^(۱۱۶).

- سوء ظن

سوء ظن، دستمایه بسیاری از نابسامانی‌های جامعه اسلامی بلکه جامعه انسانی است. شایعات، قضاوت‌های عجولانه، دروغ و... همه ریشه در سوء ظن دارند. خداوند نسبت به گمان بد، می‌فرماید:

یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم و لا تجسسوا

ای اهل ایمان از بسیاری گمانها پرهیز نمائید، زیرا برخی از گمانها گناهند^(۱۱۷). و امیر المؤمنین علی (ع) می‌فرماید: هر کاری که از برادر دینی‌ات سر زد نیکو بشمار و در سخنش گمان بد مبر، تا آنجا که برای آن جایگاه و محمل خوبی می‌یابی^(۱۱۸). البته حسن ظن بسیار نیز مایه گرفتاری‌های فراوان است امام صادق (ع) در این زمینه می‌فرماید: اگر زمان، زمانی بود که عدل و داد بر ظلم و جور غالب بود، گمان بد به کسی بردن روا نباشد جز اینکه بدی او ثابت باشد. و اگر زمان، زمانی بود که ظلم و جور به عدل و داد غالب بود، روا نباشد که به کسی گمان نیک بری مگر اینکه نیکی وی ثابت باشد^(۱۱۹).

- تکلف و تشریفات

دوستی هر قدر که بی‌ریا تر و خدمانی تر باشد، دوام و استحکام بیشتری دارد.

اکثر اسرافها، دعوای خانوادگی و طلاق ریشه در همین تکلفات و تشریفات بی‌مورد اجتماعی دارد. قصه دردناک چشم و هم چشمی که معمولا در بانوان رواج بیشتری دارد، دستاورد میهمانی‌های آمیخته با تکلف و تشریفات است. در سیره پیامبر (ص) می‌خوانیم: پیامبر (ص) ساده بود بی‌پیرایه و عاری از تکلف؛ مجلس وی آنچنان بود که هیچ تفاوتی میان او و اصحابش دیده نمی‌شد؛ در حلقه‌ای میان افراد می‌نشست تا هیچ برتری وجود نداشته باشد و از هر گونه اشرافیت سخت بی‌زار بود^(۱۲۰).

خلاصه اینکه، یکی از آفات بزرگ معاشرت اسلامی که شدیداً باید از آن اجتناب نمود، اسارت در زندان تکلف و تشریفات پوچ است. ولی این هرگز بدان معنا نیست که انسان کمتر از حد توان از میهمان خود پذیرایی نماید. اکرام مهمان در حد توان از مقوله تشریفات جدا است.

- اهانت به معاشرین (مسخره کردن، لقب زشت دادن، سرکوفت کردن)

در سوره حجرات، اخلاقی‌ترین سوره‌های قرآن، خداوند در آیه ۱۱، سه آفت مهم معاشرت را متذکر شده و مسلمانان را از آنها بر حذر می‌دارد.

یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم... و لا تلمزوا انفسکم و لا تنابزوا بالالقاب ...

ای اهل ایمان کسی از شما دیگری را مسخره نکند، همدیگر را سرزنش نکنید، و لقب زشت به هم ندهید.

اگر چه همه این آفات را می‌توان در کوچک شمردن دیگران و خود بزرگ بینی جستجو کرد، ولی ذکر تک‌تک آنها در این آیه دلیل اهمیت و قبح آنهاست.

در سیره امام صادق (ع) برخورد شدید با هرزه گویان را می‌توان دید. روزی یکی از دوستان امام که همواره با حضرت محشور بود به غلام خود گفت: ای زنازاده. امام وقتی این هرزه گوئی را شنید، خشمگین شد و به او فرمود: از من دور شو که ترا نبینم^(۱۲۱). پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: بندگان خدا را حقیر نشمارید که حتی بنده کوچک نزد خدا بزرگ است^(۱۲۲). و نیز می‌فرماید: کسی که مرد یا زن مؤمنی را ذلیل کند و یا بخاطر فقرش، حقیر شمارد، خداوند او را در قیامت مشهور گردانیده، سپس به فضاحت می‌کشانند^(۱۲۳).

سرکوفت زدن و سرزنش کردن در حقیقت نمک بر زخم دیگران پاشیدن است و این با همدردی، که از آداب معاشرت است، سازگار نیست.

- اذیت کردن دیگران

از نظر اسلامی، اذیت کردن مؤمنین، حتی به کوچکترین وسیله، عملی بسیار زشت قلمداد شده است، چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس بر ضرر مسلمانی و لو یک کلمه سخن بگوید، روز قیامت بر پیشانی او نوشته خواهد شد: این بنده از رحمت خدا مأیوس است^(۱۲۴).

دنیا اگر چه دار مکافات نیست، ولی بسیاری از اعمال انسان، می‌توانند نتایجی دنیوی داشته باشند. آزرده شدن مردم از همین قبیل است؛ چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس آزارش را از مردم برداشت، فقط یک دست از آنها برداشته است، ولی در مقابل، دستهای بسیاری از آزار او خوداری خواهند کرد^(۱۲۵).

شاعر، در این زمینه می‌فرماید: انگشت مکن رنجه بدر کوفتن کس* تا کس نکند رنجه بدر کوفتن مشت

- تفرقه و تک‌روی

دیگر از آفات اجتماع اسلامی، تفرقه و جدائی است کناره‌گیری از جامعه و حرکت برخلاف مسیر حقی که جماعت حرکت می‌کنند، مایه هلاکت است. چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: همواره همراه بزرگترین جمعیتها (اکثریت طرفدار حق) باشید که دست خدا با جمعیت است؛ از پراکندگی پرهیزید که انسانهای تنها، بهره شیطان هستند؛ هم چنان که گوسفند تنها، طعمه گرگ است^(۱۲۶).

پیغمبر اکرم (ص) تفرقه را مایه تباهی جامعه دانسته، می‌فرماید: تنها چیزی که امت‌های گذشته را تباه ساخت، همانا اختلاف و تفرقه بود^(۱۲۷).

و خداوند جامعه اسلامی را از تفرقه نهی می‌کند:

و لا تنازعوا فتفشلوا

؛ پس با هم نزاع نکنید چون نزاع مایه سستی شما است^(۱۲۸).

- غیبت

غیبت، گناهی است که جامعه را فاسد می‌کند و حالت سوء ظن در جامعه ایجاد می‌نماید. آیات و روایات با زبان بسیار تنیدی با مسئله غیبت برخورد کرده‌اند. قرآن مجید می‌فرماید: ..

و لا یغتب بعضکم بعضا

.. بعضی از شما بعض دیگر را غیبت ننماید^(۱۲۹).

در معنی غیبت، فقها گفته‌اند: درباره مسلمانانی چیزی را گفتن که اگر او بشنود دلگیر گردد.

غیبت آثار اجتماعی سوئی دارد از جمله: جامعه آلوده به غیبت، روی وحدت را نخواهد دید، تعاون و همکاری از بین خواهد رفت؛ عداوت و کینه دامنگیر جامعه خواهد شد و فحشا در جامعه اشاعه پیدا خواهد کرد و...

پیامبر اکرم (ص) در مذمت غیبت می‌فرماید: غیبت در نابودی دین مسلمان، زودتر از بیماری خوره در درون او مؤثر است^(۱۳۰). عقوبت غیبت فقط دامنگیر غیبت کننده نمی‌شود، بلکه شنیدن غیبت و نشستن در مجلس غیبت نیز حرام است. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: شنونده غیبت در گناه و عقاب، همانند غیبت کننده است^(۱۳۱).

عمرو بن جمیع از ملازمان امام صادق (ع) گوید: روزی حضرت بمن فرمود: هر کس که به نزد ما می‌آید، اگر وی بمنظور آموختن فقه و قرآن و تفسیر آمده او را راه ده و اگر آمده که عیوب مردم را که خدا آنها را مستور داشته فاش سازد جوابش کنید و او را به خانه ما راه مدهید.^(۱۳۲)

- تهمت

زشت‌ترین گناهی که در اسلام از آن یاد شده است، تهمت زدن است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: تهمت زدن به بی‌گناه، از کوه‌های عظیم نیز سنگین‌تر است^(۱۳۳). و نیز می‌فرماید: کسی که برادر مسلمانش را متهم کند، ایمان در قلب او ذوب می‌شود؛ همانند ذوب شدن نمک در آب^(۱۳۴).

اشاعه این عمل زشت در جامعه، آثار بسیار سوئی دارد از جمله نا امنی، از هم گسیختگی، از بین رفتن اعتماد عمومی و اشاعه فحشاء...

۴- پیرامون همنشینان

دوست در زندگی انسان تأثیر فراوانی داشته و نقش مهمی را بازی می‌کند، به همین دلیل اسلام تأکید فراوانی روی شناخت دوست و همنشین دارد؛ امام صادق (ع) می‌فرماید: سه چیز از نشانه‌های مؤمن است: ۱- توحید و علم به خدا ۲- علم او بکسانی که آنها را دوست دارد ۳- علم او بکسانی که با آنها دشمن است^(۱۳۵).

ما در این قسمت، به خصوصیات همنشین خوب و بد، اشاره خواهیم نمود و افرادی را که همنشینی با آنها از نظر اسلام مذموم است، متذکر خواهیم شد.

- همنشین خوب

درباره همنشین خوب، پیامبر اکرم (ص) معیارهایی را معرفی می‌فرماید:

ایشان در پاسخ به این سؤال که همنشین خوب کیست؟^(۱۳۶) معیارهای زیر را بیان می‌دارند:

۱- دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد. یعنی دوست خوب کسی است که شما با دیدن او، خدا را به یاد آرید؛ یعنی اینکه رنگ خدائی داشته باشد. خدا به پیامبرش چنین می‌فرماید:

و لا تطرد الذين يدعون ربهم بالغداوة والعشي يريدون وجهه

یعنی: از دور خدا پراکنده مکن (ترک معاشرت مکن) با کسانی که به هر صبح و شام، خدا را خالصانه عبادت می‌کنند^(۱۳۷).

و در مقابل می‌فرماید:

و اصبر نفسك مع الذين يدعون ربهم بالغداوة والعشي يريدون وجهه

یعنی: با کسانی باش که هر صبحگاه و شامگاه، خدا را خالصانه عبادت می‌کنند^(۱۳۸).

معاشرت با افرادی که انسان با دیدن آنها به یاد خدا می‌افتد، مایه پیرایش انسان از زشتی‌ها است.

چون انسان در مقابل چنین افرادی، اجازه گناه و معصیت به خود نمی‌دهد.

۲ - گفتارش بر علم شما بیفزاید.

معاشرت با عالم، از معاشرتهای بسیار ممدوح، و مورد تأکید اسلام است. معاشرت با عالم، در درجه اول، انسان را از مضراتی، که همنشینی با نادان در بردارد، مصون می‌دارد، و علاوه بر این مایه آشنایی انسان با علم و ادب است.

امام علی (ع) در نامه‌ای به مالک اشتر می‌نویسد: با دانشمندان زیاد به گفتگو بنشین و با اندیشمندان بسیار به بحث پرداز^(۱۳۹). و امام موسی بن جعفر (ع) به نقل از پیامبر (ص) می‌فرماید: از علما سؤال کن، با حکما آمد و شد داشته باش و با فقرا مجالست نما^(۱۴۰).

۳ - عملش، آخرت را به یاد شما آورد.

سومین معیاری که در حدیث پیامبر (ص) آمده، این است که، می‌باید با کسی همنشین شد که به واسطه ترس از دوزخ و قیامت، خود را به گناه نمی‌آلاید؛ و همین امر باعث می‌شود که انسان با دیدن او و ترسی که از قیامت که در وجودش می‌باشد به یاد آخرت و قیامت افتد. یاد قیامت، مهمترین عاملی است که انسان را از گناه باز می‌دارد.

خداوند در قرآن مجید می‌فرماید:

الا یظن اولئک انهم مبعثون لیوم عظیم.

یعنی: آیا (گناهکاران) گمان نمی‌کنند که در روز جزا برانگیخته خواهند شد^(۱۴۱).

دقت در این آیه شریفه به ما می‌فهماند که اگر انسان احتمال هم بدهد قیامتی هست و در حد احتمال به یاد قیامت باشد، دست به گناه نمی‌زند.

خداوند درباره پیامبران خود می‌فرماید:

انا اخلصنا هم بخالصه ذکرى الدار؛ ما آنها را با یاد آخرت، خالص و پاک گردانیدیم^(۱۴۲).

اگر انسان دوستی را انتخاب نماید که با دیدنش به یاد آخرت افتاده و گناه ننماید، دوست کاملی را اختیار کرده است و از مسیر انسانی منحرف نخواهد شد.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: دوست خوب، کسی است که دیدنش غفلت شما از قیامت را بزداید و در کار نیک همراهیتان نماید^(۱۴۳).

از آنچه گذشت می‌توان علاوه بر خصوصیات دوست خوب، به آداب دوستی هم رسید، یعنی دوستی می‌باید بر سه محور: علم، یاد خدا و یاد قیامت استوار باشد.

- همنشین بد

در قرآن کریم، مسلمانان از دوست گرفتن افراد زیر نهی شده‌اند: ۱ - کافرین،

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء^(۱۴۴).

۲ - یهود و نصاری؛

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الیهود و النصاری اولیاء^(۱۴۵).

۳ - دشمنان خدا؛

یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء^(۱۴۶).

۴ - اهانت کنندگان به دین؛

یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا و لعبا... اولیاء^(۱۴۷). - مغضوبین؛

یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوما غضب الله علیهم^(۱۴۸).

۶ - غافلین از یاد خدا؛

و لا تطع من اغفلنا قلبه عن ذکرنا^(۱۴۹).

و تبعیت نکنید کسانی را که دل‌هاشان از یاد ما غافل است.

توجه به این آیات، حداقل به ما می‌فهماند که مسلمان مجاز نیست با هر کس که خواست طرح دوستی و معاشرت بریزد. امام سجاد (ع)، (با استناد به آیه ۶۸ سوره انعام) می‌فرماید: چنین نیست که بتوانی با هر کس که دوست داشتی، همنشین باشی^(۱۵۰). ذیلاً به ذکر افرادی که از نظر روایات اسلامی، معاشرت با آنها نهی شده است می‌پردازیم: الف - نادان و بی‌خرد و احمق. نادان و بی‌خرد از جمله افرادی است که معاشرت با او نهی شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: هر چه می‌توانی از شخص پست و بی‌خرد بگریز^(۱۵۱).

امام علی (ع) مسلمان را از دوستی با احمق بر حذر می‌دارد و در علت آن می‌فرماید: «احمق ترا به چیزی و ندارد، و امید نیست که هر چه بکوشد بدی را از تو دور دارد و چه بسا خواهد سودت رساند ولی به زیانت کشاند... دوریش بهتر از نزدیکی است»^(۱۵۲). و باز می‌فرماید: فساد اخلاق بر اثر معاشرت با بی‌خردان است و سلامت اخلاق به برکت معاشرت با خردمندان^(۱۵۳). و باز می‌فرماید: «همنشین احمق مباش، چون کارش را در نظر تو می‌آراید و دوست دارد تو هم چون او باشی»^(۱۵۴).

ب - فاسق و گناهکار

امام صادق (ع) می‌فرماید: علی (ع) هر وقت بالای منبر می‌رفت مردم را از همنشینی با فاسق بر حذر می‌داشت و در بیان علت می‌فرمود: «او دوست دارد مثل او باشی، و ترا در امر دینت کمک نمی‌کند، نزدیک شدن به او جفا، قساوت قلب و ننگ است برای تو»^(۱۵۵).

و امام سجاد (ع)، همنشینی با پنج کس را ناپسند می‌شمارد و یکی از آنها فاسق است^(۱۵۶).

کمترین اثر معاشرت با گناهکار، این است که قبح گناه در نظر انسان شکسته می‌شود و در دام گناه گرفتار می‌آید.

ج - دروغگو و سخن‌چین

امام علی (ع) مسلمانان را از دوستی با دروغگو و سخن‌چین بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: با دروغگو زندگی بر تو گوارا نیست؛ حدیث تو را به دیگران رساند و داستان دیگری را به تو. تا داستانی را به پایان رساند داستان دیگری به دنبال کشاند؛ میان مردم دشمنی افکند و کینه در سینه‌ها بکارد. از خدا بترسید و در برابر دروغگو مراقب خود باشید^(۱۵۷). و امام سجاد (ع) پس از نهی معاشرت با دروغگو می‌فرماید: دروغگو مثل سرابست و ترا با دروغهای خود فریب می‌دهد^(۱۵۸).

د - بخیل

امام صادق (ع) می‌فرماید: بر تو باد که با شخص بخیل مصاحبت ننمائی، زیرا که او مال خود را در شرایط سخت و هنگام نیازمندی، از تو دریغ دارد^(۱۵۹).

ح - قاطع رحم

یعنی کسی که با اقوام و خویشان خود قطع رابطه کرده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «پرهیز از مصاحبت با قاطع رحم، که من او را در سه جای قرآن ملعون یافتم»^(۱۶۰). و امام سجاد (ع)، همنشینی با پنج گروه را منع کرده است: که یکی از ایشان قاطع رحم می‌باشد^(۱۶۱).

و - هوس‌بازان و هواپرستان

هواپرستی زمینه‌ساز گناهان بزرگ است و دام شیطان بحساب می‌آید. امام علی (ع) می‌فرماید: «مجالست با اهل هوا، ایمان را به فراموشی می‌سپارد و شیطان را به حضور می‌کشاند»^(۱۶۲).

ز - زینت دهندگان گناه

در اجتماع شاید به کسانی برخورد کنیم که علاوه بر گناه کاری، می‌خواهند در مسیر گناه همراهی داشته باشند، لذا گناه خود و دیگران را خوب جلوه می‌دهند. این جماعت از جمله افرادی هستند که معاشرت با آنها مایه انحطاط انسان است. و اسلام معاشرت با آنها را مذموم می‌داند.

امام علی (ع) در پاسخ به این سؤال که چه همدمی از همه بدتر است؟ می‌فرماید:

بدترین همدم کسی است که معصیت خداوند را در نظر تو زینت بدهد^(۱۶۳).

ح - اهل بدعت

بدعت به معنی سنت و دستور نوینی است که برخلاف دین است و در دین جعل می‌شود. و اهل بدعت کسانی هستند که چنین عملی را انجام می‌دهند. این عمل در اسلام از محرمات بزرگ است و از نظر اسلام همنشین شدن با این افراد مذموم است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: با بدعت‌گذاران مصاحبت نکنید و با آنها هم نشین م باشید؛ چرا که در نظر مردم خود نیز یکی از آنها می‌شوید^(۱۶۴). و در جای دیگر می‌فرماید: سه گروهند که اجتناب از آنها بر هر کس واجب است.

یکی از این سه گروه، اهل بدعت است^(۱۶۵).

ط - اشرار

امام علی (ع) درباره علت ذم معاشرت با اشرار می‌فرماید: همنشینی با اشرار مایه بدگمانی خوبان است^(۱۶۶).

در روایت گذشته (شماره ۳) از امام صادق (ع) گروهی دیگر از کسانی که اجتناب از آنها واجب است اشرار هستند.

ی - اراذل و اوباش

مردم پست و فرومایه، انسانهای دون همت، مردمی هستند که بواسطه فرومایگی خود دست به هر کار می‌زنند، این انسانها معاشرتشان منهی و مذموم است.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: سه گروهند که مجالست با آنها دل را می‌میراند.

اول همنشینی با اراذل و اوباش...^(۱۶۷)

دوستی با این افراد مایه حسرت ابدی است؛ لذا کفار در قیامت می‌گویند:

یا ویلتا لیتنی لم اتخذ فلانا؛ خلیلاً^(۱۶۸). یعنی: وای بر ما ای کاش فلانی را دوست نمی‌گرفتیم.

نکته: ذکر این مصادیق، استقصاء تمام موارد نیست و این ده گروه برای توجه دادن به همان مطلبی است که امام سجاد (ع) در ذیل تفسیر آیه ۶۸ سوره انعام به آن اشاره فرمودند. یعنی اینکه: مسلمان مجاز نیست با هر کس که خواست معاشرت نماید.

۵- آداب مجالس

مجالس، در حیطه معاشرت اسلام آداب خاصی دارد که ذکر برخی از آنها خالی از فایده نیست. قبل از بیان آداب مجالس، به ضرورت دوری از مجالس گناه، خواهیم پرداخت.

از نظر اسلام حضور در مجالس گناه ممنوع است. چه خود مجلس گناه باشد و چه اینکه گناهی در آن مجلس اتفاق افتد. در قرآن می‌خوانیم:

و قد نزل علیکم فی الکتاب ان اذا سمعتم آیات الله یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره، انکم اذا مثلهم^(۱۶۹)؛ و همانا ما در قرآن بر شما نازل کردیم که اگر شنیدید در مجلسی آیات الهی را تکفیر می‌کنند و مسخره می‌نمایند، پس با آنها همنشین نشوید تا کلامشان را عوض کنند، اگر شرکت کردید شما هم مثل آنان خواهید بود! و پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: هر کس به خدا و روز قیامت ایمان دارد در مجلسی که امامی را دشنام می‌دهند یا غیبت مسلمانان را می‌کنند، نمی‌نشیند^(۱۷۰). و باز می‌فرماید: هر کس غیبت برادر مسلمانش را در مجلسی شنیده، رد کرد؛ خدا هزار باب بدی در دنیا و آخرت از او دور می‌کند. پس اگر آن غیبت را رد نکرد و خوشش آمد بار گناه غیبت کننده، بر او نیز هست^(۱۷۱).

مشاهده آیاتی نظیر آیه ۶۸ سوره انعام و روایاتی نظیر آنچه ذکر شد، اهمیت پرهیز از مجالس گناه را به ما گوشزد می‌نماید.

هر اندازه حضور در مجالس گناه نهی شده، حضور در مجالس مؤمنین و صالحین سفارش شده است.

در حدیث آمده است که لقمان به پسر خود فرمود: ای پسر، بدیده بصیرت در مجالس نگاه کن اگر جماعتی را بینی که یاد خدا کنند، با ایشان بنشین^(۱۷۲).

پیغمبر اکرم مجالس مؤمنین را به باغهای بهشت تشبیه می‌نماید.

امام صادق (ع) می‌فرماید: پیغمبر اکرم به اصحابش فرمود: وقتی باغی از باغهای بهشت دیدید در آن داخل شوید، گفته شد یا رسول الله باغهای بهشت کدامند؟ فرمودند: مجالس مؤمنین^(۱۷۳).

- احترام به جالسین

رعایت احترام افرادی که در مجلس نشسته‌اند، از اولین آداب مجالس اسلامی است. عفت کلام، شیوه صحبت، شکل نشستن و احترام به اندیشه و گفتار دیگران، ... از جلوه‌های احترام به هم نشینان در مجلس می‌باشند.

درباره سیره رسول اکرم (ص) امام صادق (ع) می‌فرماید: پیغمبر اکرم (ص) هرگز جلوی اصحاب خود پایش را دراز نمی‌کرد^(۱۷۴). از دیگر از جلوه‌های احترام در مجالس، پاره نکردن کلام دیگران است. پیامبر اکرم (ص) این عمل را بدین گونه نهی می‌فرماید: کسی که در میان سخن دیگران سخن بگوید، مثل این است که بر صورت او زخمی وارد کرده است.^(۱۷۵)

در سیره حضرت رضا (ع) می‌خوانیم که: ابراهیم بن عباس گوید: هرگز ندیدم که حضرت رضا (ع) در سخن کسی پرخاش کند و سخن را قطع کند تا اینکه خود طرف سخنش را تمام کند. و هرگز پایش را در برابر همنشین دراز ننمود و در مجلس تکیه نمی‌زد.^(۱۷۶)

- پرهیز از جدال

مجالس، بدلیل حضور افراد مختلف در آنها، بستر مناسبی برای بحث‌ها و تبادل نظرهای مختلف است. اما گاه این بحث‌ها به جدل و نزاع، منجر می‌گردد. جدل مایه وهن مجلس است.

امام سجاد (ع) می‌فرماید: کمال دین مسلمان، به این شناخته می‌شود که سخن بیهوده نگوید و در بحث، نزاع و جدال نکند و بردباری و شکیبائی و اخلاق نیکو داشته باشد^(۱۷۷).

- پرهیز از نجوا

نجوا، بعضی صحبت‌های در گوشی است؛ و از جمله اعمالی است که ترک آن در مجالس، مورد نظر اسلام است. امام صادق (ع) می‌فرماید: هر گاه سه نفر با هم، هم صحبتند، دو نفر آنها سرگوش، با هم صحبت نکنند، زیرا مایه آزار رفیق سوم ایشان است^(۱۷۸).

ملاک نهی امام (در این روایت) از نجوا، آزدگی طرف سوم است، چون مایه سوء تفاهم او می‌گردد و باصطلاح خیال می‌کند راجع به او صحبت می‌کنند. به همین دلیل عدد ۳ در روایت اگر چه در حکم، نقش دارد، ولی می‌توان گفت در مجالس هر گاه چنین توهمی وجود داشته باشد، نجوا مورد نهی قرار می‌گیرد و ترک آن ضروری است.

- تواضع و فروتنی

تکبر و خود بزرگ بینی، مایه تحقیر دیگران و اهانت به ایشان است. شخص متکبر به آراء و نظریات دیگران، توجهی نمی‌کند و حقوقشان را زیر پا می‌گذارد. لذا در فرهنگ اسلامی، تواضع و متواضع مکانی رفیع دارند. تواضع خسیسه درونی انسان است که در اعمال وی متجلی می‌گردد. حضرت رسول (ص) علامات تواضع در مجالس را چنین بیان می‌فرماید:

از علامات تواضع آن است که آدمی به محلی راضی باشد که پست‌تر از محل نشستن او است^(۱۷۹).

شخص متواضع هنگام ورود به مجالس هر جا که خالی بود می‌نشیند و نگاه نمی‌کند تا بالای مجلس را تشخیص بدهد و آنجا را برای نشستن انتخاب نماید.

- پرهیز از تکلف و تشریفات

آفت عمده‌ای که همیشه دامنگیر مجالس بوده است و در زمانه ما تجلی بیشتری دارد، تکلفات و تشریفات زیادی است؛ اگر چه پذیرائی از مهمان مورد تأکید اسلام است، ولی تکلفات و تشریفات بیش از حد، مایه اسراف و تبذیر است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: هر کس به مجلسی بدون تشریفات راضی باشد، از زمان نشستن در آن مجلس تا هنگام برخاستن، خداوند و فرشتگان بر او رحمت می‌فرستند.^(۱۸۰)

- جاباز کردن برای دیگران

از آداب مجالس این است که به آنهایی که تازه وارد مجلس می‌شوند، جا داده شود و جالسین برای آنها جا باز نمایند. در قرآن می‌خوانیم:

یا ایها الذین امنوا اذا قیل لکم تفسحوا فی المجالس فافسحوا... و اذا قیل انشزوا فانشزوا

ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی به شما گفته شد که به مجالس خود وسعت ببخشید (برای دیگران جا باز کنید) وسعت ببخشید... و وقتی گفته می‌شود برخیزید، برخیزید^(۱۸۱).

- نشستن میان دو نفر که با هم مأنوسند

اگر دو نفر با هم انس و الفتی دارند، یا پدر و پسرند و یا برادرند، از نظر اسلام بین آن دو نشستن خلاف ادب مجالس است. مگر اینکه آنها اجازه بدهند.

در سیره پیامبر (ص) می‌خوانیم: حضرت (ص) نهی فرمودند از نشستن بین دو مأنوس، مگر با اجازه آنها^(۱۸۲).

- بلند شدن برای تازه واردین

از جای برخاستن برای تازه واردین، یکی از آداب مجالس است، البته اگر برای مؤمنین باشد. اسحاق بن عمار می‌گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم: کسی که برای احترام مردی از جایش بلند می‌شود چگونه است؟

امام (ع) فرمود: مکروه است، مگر برای شخص متدین (یعنی شخصی که عنوان دین دارد)^(۱۸۳). از جا برخاستن برای استاد و پدر، از نظر اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

امام علی (ع) می‌فرماید: به احترام پدر و استاد از جای خود بلند شو؛ و لو اینکه امیر باشی^(۱۸۴).

پی نوشت‌ها:

۲۳- آل عمران: ۱۵۹.

۲۴- اصول کافی، (چاپ اسلامی با ترجمه) ج ۳، ص ۱۶۱.

۲۵- محجة البيضاء، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲۶- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۸.

۲۷- محجة البيضاء، ج ۳، ص ۲۸۴.

۲۸- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۲۴.

۲۹- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۱.

۳۰- آل عمران، ۱۳۴.

۳۱- بقره: ۱۹۵.

۳۲- قصص: ۷۷.

۳۳- بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۴۳.

۳۴- فرقان: ۶۳.

۳۵- سنن النبی، ص ۷۵.

۳۶- نهج البلاغه فیض، حکمت ۱۵۸.

۳۷- نساء: ۸۶.

۳۸- حلیه المتقین، ص ۳۵۰.

۳۹- همان، ص ۴۰۶.

۴۰- معارف و معاریف، ص ۲۵۴.

۴۱- معارف و معاریف، ص ۲۵۴.

۴۲- معارف و معاریف، ۲۵۵.

۴۳- نور: ۱۹.

۴۴- بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۴.

۴۵- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۴.

۴۶- کافی، ج ۲، ص ۲۰۹، روایت ۳.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۱۵، وجوب حب المؤمن، ص ۱۶۵، روایت ۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، باب ۱۵، وجوب حب المؤمن، ص ۱۶۶، روایت ۳.

۳- بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۶۳، حدیث ۱۱۴.

۴- بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۰۳، باب ۵.

۵- میزان الحکمه، ج ۹، ص ۱۳۸.

۶- بحار الانوار، ج ۴، ص ۱۷۸.

۷- میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۲۷، ح ۸۴۱۹.

۸- نهج البلاغه، حکمت: ۲۶۰.

۹- بحار الانوار، بنقل از معارف و معاریف، ج ۷۸ و ج ۷۱، ص ۱۹۰، روایت ۵۶.

۵۴- باب ۵۶.

۱۰- کافی، ج ۳، ص ۱۶۲.

۱۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، شماره ۴۰۱، ص ۴۳۳.

۱۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۸۰، ح ۴۱۵۰.

۱۳- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

۱۴- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۵، روایت ۱، باب ۱.

۱۵- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۸۰، ص ۸۰؟؟.

۱۶- تحف العقول، ص ۲۷۳- ۲۷۸.

۱۷- غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۷۴.

۱۸- جامع السعادات، ج ۱، ص ۳۶۳.

۱۹- فتح: ۲۹.

۲۰- بلد: ۱۷.

۲۱- حجرات: ۱۰.

۲۲- قلم: ۴.

- ۴۷- اسراء: ۳۴
- ۷۱- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۵۲، حدیث ۴۶.
- ۴۸- بقره: ۱۷۷
- ۷۲- کافی، ج ۴، ص ۴۴۸
- ۴۹- مؤمنون: ۸ و معارج: ۳۲
- ۷۳- معارف و معاریف، ج ۴، ص ۱۶۳۵
- ۵۰- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۲، حدیث ۲.
- ۷۴- کافی، ج ۳، ص ۳۱۷
- ۵۱- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۹۵، نقل از ۲۵، اصل، ص ۲۳۰
- ۷۵- کافی، ج ۲، ص ۱۰۸
- ۵۲- معارف و معاریف، ج ۵، ص ۲۶
- ۷۶- وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۳
- ۷۷- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۶۸
- ۵۳- طه: ۴۳ و ۴۴
- ۷۸- آل عمران: ۱۳۳
- ۵۴- آل عمران: ۱۵۹
- ۷۹- شوری: ۳۶
- ۵۵- ارشاد مفید، ج ۲، ص ۱۴۶
- ۸۰- مشکاة الانوار، به نقل از فرازهای برجسته، ج ۲، ص ۱۸۱
- ۵۶- معارف و معاریف، ج ۵، ص ۲۰۳۴
- ۸۱- تفسیر نور الثقلین، ص ۳۹۰
- ۵۷- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۰۳
- ۸۲- معارف و معاریف، ج ۵، ص ۲۱۸۲
- ۵۸- همان.
- ۸۳- همان.
- ۵۹- کافی، ج ۲، ص ۱۲۰
- ۸۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۴۹
- ۶۰- غرر الحکم، ۲۹۴
- ۸۵- زهر الربیع، ص ۸۹، نقل از ۲۵ اصل، ص ۱۳ و ۱۴
- ۶۱- کافی، ج ۴، ص ۴۵۷
- ۸۶- معارف و معاریف، ج ۲، ص ۶۵۷
- ۶۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵، ج ۱۶
- ۸۷- المصدر، ص ۴۰
- ۶۳- حشر: ۹
- ۸۸- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۲
- ۶۴- فرهنگ سخنان حضرت زهرا، ص ۲۱
- ۸۹- ارشاد مفید، ص ۳۷۵، نقل از فرازهای برجسته، ج ۲، ص ۱۷۰
- ۶۵- معارف و معاریف ج ۱، ص ۳۲۱
- ۹۰- وسائل، ج ۸، ص ۵۵۳
- ۶۶- بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۰، باب ۴
- ۹۱- نهج ابلاغه، فیض حکمیت ۴۱۱، ص ۱۲۸۳
- ۶۷- رعد: ۲۱
- ۹۲- نهج البلاغه، فیض حکمت ۲۰۵، ص ۱۱۸۳
- ۶۸- رعد: ۲۵، بقره: ۲۷
- ۹۳- فرقان: ۶۳
- ۶۹- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۱
- ۷۰- مائده: ۲
- ۹۴- جامع السعاده، ص ۴۴۳

- ۹۵- نهج البلاغه فيض، صفحه ۱۱۵۰، حکمت ۱۲۹.
- ۹۶- سيره پیشوایان، ص ۴۵۶.
- ۹۷- معارف و معاریف، ص ۲۴۰۵.
- ۹۸- تحف العقول، ص ۲۷۳.
- ۹۹- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۶۵.
- ۱۰۰- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۵۸۳.
- ۱۰۱- معارف و معاریف، ج ۱، ص ۲۶۳.
- ۱۰۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴.
- ۱۰۳- وسائل، ج ۸، ص ۵۱۳، بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۳۰۳.
- ۱۰۴- صف: ۲.
- ۱۰۵- قاموس اللغة، مفردات راغب.
- ۱۰۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۰.
- ۱۰۷- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۳۹.
- ۱۰۸- غرر الحکم: ۱۳۳۹.
- ۱۰۹- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۶.
- ۱۱۰- مشکوٰۃ الانوار ۲۳۵- ۲۳۴.
- ۱۱۱- حلیۃ المتقین، ص ۳۷۹، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۰۸، حدیث ۸.
- ۱۱۲- حلیۃ المتقین، ص ۳۷۹.
- ۱۱۳- حجرات: ۱۲.
- ۱۱۴- تفسیر صافی، جلد ۲، ص ۵۹۳.
- ۱۱۵- بحار الانوار، به نقل از معارف و معاریف.
- ۱۱۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۱.
- ۱۱۷- حجرات: ۱۲.
- ۱۱۸- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۹۶.
- ۱۱۹- معارف و معاریف، ص ۱۹۰۵، بحار الانوار، ج ۷۵ و ۱۰.
- ۱۲۰- سیره نبوی ج ۱، ص ۲۱۴.
- ۱۲۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۱.
- ۱۲۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۴۶۲۱، ح ۷۰۷۷.
- ۱۲۳- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۴.
- ۱۲۴- بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۴۹.
- ۱۲۵- کافی، ج ۴، ص ۴۵۸.
- ۱۲۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.
- ۱۲۷- کنز العمال، نقل از معارف و معاریف، ص ۱۴۸.
- ۱۲۸- انفال: ۴۶.
- ۱۲۹- حجرات: ۱۲.
- ۱۳۰- محجۃ البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۵.
- ۱۳۱- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۳۵۲، ح ۱۵۲۳۳.
- ۱۳۲- معارف و معاریف، ج ۱، ص ۳۳۱.
- ۱۳۳- سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۱۱.
- ۱۳۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۹، بحار، ج ۲، ص ۱۹۸.
- ۱۳۵- کافی، ج ۳، ص ۱۹۶.
- ۱۳۶- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۶.
- ۱۳۷- انعام: ۵۲.
- ۱۳۸- کهف: ۲۸.
- ۱۳۹- نهج البلاغه، کتاب ۵۳.
- ۱۴۰- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۸.
- ۱۴۱- مطففین: ۴-۵.
- ۱۴۲- ص: ۴۶.

- ۱۴۳ - میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۰۲، ح ۱۰۲۴۹
- ۱۴۴ - نساء: ۱۴۴
- ۱۴۵ - مائده: ۵۱
- ۱۴۶ - ممتحنه: ۱
- ۱۴۷ - مائده: ۵۷
- ۱۴۸ - ممتحنه: ۱۳
- ۱۴۹ - كهف: ۲۸
- ۱۵۰ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۲۳، در تفسیر آیه ۶۸، سوره انعام.
- ۱۵۱ - کافی، ج ۴، ص ۴۵۶
- ۱۵۲ - تحف العقول، ص ۳۰۳
- ۱۵۳ - معارف و معاریف، ص ۲۰۹۵
- ۱۵۴ - نهج البلاغه فیض، ص ۱۲۲۸، حکمت... ۲۸۵
- ۱۵۵ - تحف العقول، ص ۲۰۳، کافی، ج ۴، ص ۴۵۳
- ۱۵۶ - حلیه المتقین، ص ۴۲۱
- ۱۵۷ - تحف العقول، ص ۲۰۳
- ۱۵۸ - حلیه المتقین، ص ۴۲۱
- ۱۵۹ - کافی، ج ۴، ص ۴۵۵
- ۱۶۰ - کافی، ج ۴، ص ۴۵۵، آیات مورد نظر امام عبارتند از: محمد ۲۲ و ۲۳، رعد ۲۵، بقره ۲۷
- ۱۶۱ - حلیه المتقین، ص ۴۲۱
- ۱۶۲ - نهج البلاغه، ص ۸۶
- ۱۶۳ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۰
- ۱۶۴ - حلیه المتقین، ص ۴۲۲
- ۱۶۵ - تحف العقول، ص ۳۳۲
- ۱۶۶ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۱
- ۱۶۷ - خصال، باب الثلاثه - ص ۹۸
- ۱۶۸ - فرقان: ۲۸
- ۱۶۹ - نساء: ۱۴۰
- ۱۷۰ - تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۲۳، ذیل آیه ۶۸، سوره انعام.
- ۱۷۱ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۰۷
- ۱۷۲ - حلیه المتقین، ص ۴۲۳
- ۱۷۳ - بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۸
- ۱۷۴ - بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۴۳
- ۱۷۵ - معارف و معاریف، ص ۱۲۰۷
- ۱۷۶ - همان، ص ۱۹۸۷
- ۱۷۷ - همان، ص ۱۲۰۷
- ۱۷۸ - کافی، ج ۴، ص ۴۸۱
- ۱۷۹ - حلیه المتقین، ص ۴۱۵
- ۱۸۰ - کافی، ج ۴، ص ۴۸۱
- ۱۸۱ - مجادله: ۱۱
- ۱۸۲ - بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۱۸
- ۱۸۳ - وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۶۰
- ۱۸۴ - غرر الحکم: ۱۴۹